

بلندگوهای اسراییل در کشور ما!

مدتی است که دولت اسراییل از جمعی از روزنامه نگاران معلوم الحال بپاک خود دعوت کرده و ضمن پذیرائی گرم و صمیمانه از آنها؛ پیشرفت های اقتصادی و صنعتی خود را که عموماً بکمک استعمار طلبان و برای «تضعیف مسلمانان» صورت گرفته است بر رخ آنها میکشد.

این افراد پس از بازگشت؛ نقش بلندگوی آن «دولت غاصب» را در کشور ما بازی میکنند و بر آن همه ستمها و جنایاتی که از بدو پیدایش این دولت شده و کشتن و آواره ساختن میلیون ها انسان بیگناه «ضجه» میگذارند.

چندی قبل مجله «علم و زندگی» مقاله ای تحت عنوان «دیداری از اراض موعود» در شانزده صفحه که سراسر مداحی دولت مزبور و باب میل «عمال استعمار» بود انتشار داد و مطالب خلاف واقعی در آن ذکر شده بود که نه تنها مایه تأسف هر مسلمانی بود بلکه برای هر فرد انسان دوستی اشمئزآور و ناراحت کننده بود. ما هم در بخش «بررسی مطبوعات» اعتراض کوتاهی باین عمل ناپسند کردیم؛ اما چون ملاحظه میشود که این عمل زشت و خیانت آمیز بصورت يك بیماری مسری بدیگران هم دارد سرایت میکند برای روشن ساختن افکار عمومی و رفع این منقطه کاریها بدرج مقاله جالب زیر که حاوی تجزیه و تحلیل قابل توجهی در این قسمت است و از طرف یکی از خوانندگان گرامی رسیده، مبادرت میکنیم.

«مکتب اسلام»

در برابر تبلیغات خطرناک و مفرضانه بعضی از گردانندگان جراهد بنفع دولت اسراییل نگارنده بر خود لازم دید که توضیحاتی در این باره بدهد و از حق يك میلیون مسلمان ستم دیده ای که همه چیز خود را در اثر تجاوزات اسراییل از دست داده اند دفاع نماید و تشکیلات سران یهود در اراضی اشغالی فلسطین را که از مدافین سرسخت استعمار است بطور مناسب و بی غرضانه ای معرفی کند مگر جز این است که تشکیلات اسراییلیها در سازمان ملل متحد بر علیه

الجزایر و آنکولا و بنفع اتحادیه افریقای جنوبی و امثال آن رأی میدهد ؟ و مگر اکنون روپوش شرکتهای کشورهای استعماری ؛ در بعضی از کشورهای جدید الاستقلال نشده است و شوکتیالیسم راهمراهی نمیکند ؟ آنوقت :

آیا تأسف آور نیست که نویسنده مجله علم و زندگی در صفحه اول مقاله خود مینویسد « دیدار اسرائیل تأثیر عمیقی در من گذارد ... نکته دوم رفتاری است که اسرائیل با اعراب ساکن آن کشور دارد که کاملاً روی اصول تساوی و آزادی فرهنگ عرب است امید است این رفتار موجب شود که تدریجاً تعصب تخفیف یابد و این دشمنی با دوستی و همکاری خاتمه پذیرد . »

یعنی پس از يك مقدمه نادرست ، نتیجه نامعقول و غیرممکنی گرفته است چون اولاً وضع آنجا آنطوریکه میگوید نیست ثانیاً چگونه میتوان انتظار داشت که آکل و ما کول در کنار هم زندگی کنند و چگونه امکان دارد ملتی آرام بنشینند و با همربانی به کسانی که ویرا از خانه اش رانده و بجایش آر میبندند نگاه کنند .

مضحکتر آنکه همانطوریکه میدانیم اسرائیلها در فکر تجاوزات جدیدی هستند و گذشته از آنکه با دسائس و دستمگرها و مغالطات پخانه ؛ و کاشانه سائزین دستبرد زده اند و گذشته از اینکه در پائیز ۱۳۳۵ بهمدستی بافرانسه و انگلستان ؛ مفتضحترین تجاوزات را بملتی که میخواست کانال سوئز خود را ملی کند ، کرد ؛ اکنون میخواهد نهر « اردن » را منحرف و بدینوسیله باهالی چند کشور لطمات حیاتی بزند و همین چندماه پیش بود که برای تجاوز بیبقایای دریاچه « طبریه » علناً به سوریه حمله کرد و عده ایراکشت آری برای سران یهود که چندین سال پیش « کنت برنادوت » نماینده سازمان ملل در فلسطین را بهمین علت کشته بودند این تهدیدات و این عملیات قباحتی ندارد .

باجائز و منطقی است که شما بردارید و ترقیات صهیونیست های یهودی را بطور مبالغه آمیزی بنویسید و آنرا بر رخ سایر ملل مهار شده خاور میانه و خاور نزدیک بکشید بدون آنکه کوچکترین اشاره به پولهای سرشاری که دول غربی به آنها میدهند بکنید ؛ مگر همین روزنامه های ایران اخیراً نوشته اند که نسبت پولهاییکه با نهاد داده میشود در حدود هفتاد برابر پولی است که به سایر کشورهای کم توسعه یافته داده اند ؛ و کیهان مورخه ۱۹۱۹ ر ۴ از قول خیرگزاری یونایتد پرس نوشت داز سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۹ اسرائیل يك میلیارد و ششصد میلیون دلار از آمریکا و سازمان ملل کمک دریافت کرده است ، با در نظر گرفتن جمعیت ، بهر نفر اسرائیلی ۸۰۰ دلار میرسد ولی کمک بهر يك نفر عرب در همین مدت ۱۶ دلار بوده است ؛ ۱۱

البته غرض تفاوت نسبت بالاد و تفاوت دیگر هم هست یکی اینکه غریبها از ثروت های آنجا

مثل جاهای دیگر سوه استفاده نمیکند ، ثانیاً چون با آنجا دلبستگی خاص و یگانگی دارند از رشد عمیق آن جلوگیری نمیکند

با تمام کمکهای متنوعی که گفتیم به سران یهود در فلسطین شده است باز وضع آنها خراب است چون اولاً سکنه فعلی منطقه یهودی نشین فلسطین از یهودیان ده ها کشور تر کیب یافته که عده ای از آنها تا بعیت و حتی ملیت اروپائی داشته اند و عده ای آسیائی و آفریقائی . و معلوم است که آن یهودی انگلیسی و آلمانی و آمریکائی با آن یهودی مراکشی و هندی و سودانی چگونه رفتار میکند و حزب ما پای که یکنفر یهودی لهستانی « بن گورین » در راس آن است چگونه آن یهودی عراقی و پاکستانی را استثمار میکند علی الخصوص اینکه حربه بهانه لزوم ترقی و عمران سریع راهم در دست دارد

روی همین مبنا است که در پنج سال اخیر ۱۸۰ هزار نفر از یهودیان از اسرائیل فرار کرده و عازم کشورهای اصلی خود که در اثر سوسه میلیون صهیونیست ها از آنجا مهاجرت کرده بودند شدند که فقط ۸ هزار نفر آنها بترکیه بازگشتند این آمار از گزارشات رسمی اسرائیلیها نقل شده است .

لازم است که در اینجا تذکردهم که نظر نگارنده و امثال نگارنده مخالفت با یهود نیست بلکه مخالفت با دولت پنداری اسرائیل میباشد و همین کسانیکه اکنون دولت کذافی را در فلسطین ترتیب داده اند شریک خون دوست هزار یهودیانی هستند که بدست هیتلر و همیلرو آیشمن کشته شدند (رقم شش میلیون درست نیست) چون همانطوریکه مجله لایف سال ۱۳۳۹ چاپ ایالات متحده امریکا نوشته : « آیشمن از طرف همیلر ما مورشده که در مجارستان با مقامات سازمان بین المللی یهود در باره تعویض یک میلیون یهودی باده هزار کامیون وارد مذاکره کرده و او پادکتر « کاسترو » نماینده سازمان جهانی یهودیان تماس گرفت و قرار معامله را گذاشت در نتیجه ، عده زیادی از یهودیان بطور مقدماتی از مجارستان (که تحت اشغال آلمان بود) خارج شدند و در اثر صحبت این معامله بود که ژنرال اسوالد بوهل فرمانده بازداشتگاههای یهودیان فرمانداد که با نان ارفاق شود . ولی بالاخره سران سازمانهای یهود برای استخلاص یهودیان با سران آلمان نازی توافق نهائی بعمل نیاوردند ،

ملاحظه کردید که دولت آلمان اصرار نداشت که حتماً یهود را بکشد ولی سران یهود که اعتنائی بزندگی افراد عادی و بیچاره یهود نداشتند حاضر بنجات جان آنها نشدند . البته شواهد بسیار و مجال کم است مقصود این است که نیایستی تشکیلات اسرائیل را بحساب یازده میلیون و نیم یهودیان جهان مخصوصاً یهودیان آزادمنش و باحسن نیت گذاشت .

از طرف دیگر دفاعیکه از فلسطینیهای کنیم بخاطر این نیست که مسلمان یا آسیائی هستند بلکه در درجه اول بخاطر اینست که انسان و ذیحق میباشد ؛ بخصوص اینکه مظلومیت آنها در کشور ما بحدی رسیده که حقیقت وضع و استیصال و همچنین دلائل حقانیت آنها در این کشور برای مردم روشن نشده است و موافقی از آن جلو گرفته است !

در صورتیکه سایرین از واقعت امر اطلاع بیشتری دارند و در نتیجه می فهمند که چگونه ابراز نظر نمایند . اینست که مثلاً در زمستان ۱۳۴۰ هیأت اجرائیه سازمان همکاری آسیا و افریقا ضمن بیانیه ای تصریح کرد که تشکیل جلسه هیأت اجرائیه سازمان همکاری بنمایندگان ملل آسیا و افریقا فرصت داد که همدستی خود را با مردم عرب در فلسطین - که مبارزه آنها قسمتی از مبارزه استقلال طلبان وضد استعمار آسیا و افریقا میباشد - ابراز دارد

کمیته اجرائیه مزبور تصویب نامه ای راجع به فلسطین صادر نمود و ضمن آن، تصویب نامه های همه کنفرانس های آسیائی و افریقائی را که در بانک و قاهره و کوناگری (گینه) و دارالبیضاء تشکیل شده و راجع به فلسطین و حق اعراب اظهار نظر مثبت کرده بودند تأیید کرده و یادآوری کرده بودند که فلسطین یک سرزمین عربی است و دولت اسرائیل که بر روی اجساد صاحبان اصلی فلسطین بنا شده است دولتی غیر قانونی بوده و وجود آن با قوانین بین المللی و حقوق بشری و منشور ملل متحد منافات دارد !

این بود قسمتی از اظهار نظر مردم آسیا و افریقا ، آنوقت در مقاله ای که مجله علم و زندگی نوشته است متأسفانه از نوشتن خلاف واقع هم با نکرده و میگوید : «مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت بیشتر از دو نولت آرا این توصیه که میسیون را (تقسیم فلسطین بین مسلمین و یهود) تصویب کرد . و بدین وسیله مثل اینکه میخواهد ارزش صهیونیستهارا زیاد کند در صورتیکه همه بطور قطع میدانیم که تعداد آراء مزبور در (هشت آذر ۱۳۲۶) قطعی و سه رأی بوده و تعداد اعضا سازمان ملل در آنوقت پنجاه و دو هیئت نمایندگی بوده است تازه تهیه این سی و سه رأی و فشارهایی که بخاطر آن به هیأت های نمایندگان وارد آوردند بردیپلماتها و ارباب اطلاع جهان مخفی نیست و یک رأی واقعی و از روی شعور نبوده و اگر فرضاً با توافق آراء هم می بود ارزشی نداشت و ایجاد حقی نمی کرد !

«آرنولد توین بی» مستشرق و مورخ معروف ضمن مسافرتی که در سال گذشته بکشورهای آسیائی کرد بمخبرین جراید گفت :

«حق این نبود که فلسطین تجربه گردد و دولت اسرائیل در قسمتی از آن تشکیل شود بلکه مناسب تر بود که اگر چنین دولتی لازم است در اراضی و مناطق غربی تشکیل شود نه در اراضی

کشورهای اسلامی تا موجب این همه کشتار و آوارگی و اختلاف شود،!

و منجمله «تیبیل» نوشت: «اگر دقیقاً بعد از مرزهای اسرائیل نظری افکنده شود انسان بیاد شباهت شدیدی که بمملکت صلیبها در سال ۱۰۹۹ دارد میافتد و با توجه باین شباهتهای چندجانبه می توان فهمید که همانظوری که دولت صلیبها در هشت قرن پیش، دولتی مستعجل بود از بین رفت این دولت هم شانس ماندنش بیش از این نیست.

و همانظوری که صلاح الدین ایوبی رهبر نظامی و سیاسی مسلمان توانست حملات صلیبها را خنثی کند و حکومت محدود آنها را که بوسیله زور و شمشیر بوجود آمده بود از بین ببرد اکنون نیز اسرائیل در وضع مشابهی قرار دارد»!

البته اسرائیل بدبختیهای دیگری هم دارد و آن همکاری علنی و اساسی با ارتش آدمکش سری فرانسه میباشد و حتی اسم اختصاری ارتش مزبور! گذشته از حروف اولیه چهار کلمه مزبور یک حرف «آ» که حرف اول اسم جهوداست در دنبال دارد (باید دانست که شمار ارتش سری و همگی در مقابل عنصر اسلام متحد شویم، می باشد).

راجع به اینکه در مقاله مزبور نوشته شده که اعراب در اسرائیل راحت هستند نگارنده دو نظر دارد: اول اینکه بسیاری از یهودیان که به فلسطین آورده شده اند از کشورهای عربی میباشند و عرب مسلمان که اکنون در منطقه اسرائیلیها سکونت دارند در حدود صد و هفتاد هزار نفر می باشند و همه یهودیان در آنجا اکنون در حدود یک میلیون و هشتصد هزار نفر هستند در صورتیکه کاتاریو اسرائیلی در کتاب خرد بنام «اسرائیل» اعتراف میکند که یهودیان فلسطین در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷) پنجاه و شش هزار نفر بوده اند

یهودیان کنونی اسرائیل از شصت و پنج کشور مختلف جهان وارد فلسطین شده اند و در ظرف چهل سال قبل از استقلال اسرائیل: نیم میلیون یهودی وارد فلسطین شده بود ولی در ظرف چهل ماه بعد از استقلال، تعداد یهودیان تازه وارد به شصت و هفتاد هزار نفر رسید.

تا آنجا یکیکه مربوط به صد و هفتاد هزار مسلمان ساکن در آنجا میباشد (بلکه حتی چهل و شش هزار مسیحی ساکن آنجا) در حال ناراحتی هستند و جنایاتی که نسبت بآنها میشود بیش از حد است و برای نمونه در زمستان گذشته پنج نفر از مسلمانان فلسطین را بیپناه فرار از مرز یکباره کشتند و مادران واقعی بی چاره آنها که دیدند انتقامی هم در آن محیط وجود ندارد دیوانه شدند.

بهر حال با آنکه نویسنده متعصب یهودی عنده یهود بومی فلسطین را پنجاه و شش هزار میدانند اما در مقاله خود می نویسد و در بعضو حه چنگی که تمام کشورهای عربی برای ریشه کن-

کردن ششصد و پنجاه هزار یهودی فلسطین آغاز کرده بودند
 اقلاسزوار بود که بخاطر مراعات عمیثیت سوسیالیزم که میگویند طرفدار آن هستیید از
 نوشتن این مقاله ناسزا خودداری میکردید !

یا اگر مقتضیات معینی تصور لزوم آنرا برای شما ایجاد نکرد اقلایاد آوری
 میکردید که اسرائیل غیر از پنجاه و شش در صد اراضی کشور فلسطین - طبق تصویب نامه
 تقسیم فلسطین بچنگه آورد - بیست درصد دیگر اراضی آن کشور را ضمن تجاوزات بعدی
 بچنگه آورده است و با استناد به منابع رسمی می نوشتید که اسرائیلیها از سال ۱۳۲۸ تا
 ۱۳۳۴ مبادرت به هزار و پانزده بار ! تجاوز بکشورهای اسلامی اطراف خود کردند ،
 و اشاره میکردید که قیمت اموال و املاک آوارگان عرب مسلمان فلسطینی که اکنون در
 اشغال اسرائیلیها است در حدود دو هزار میلیون لیره استرلینگ (هر لیره در حدود
 چهار صد ریال است) میباشد تا کمکی هم بحقیقت کرده باشید ؛ و میخواستید بنویسید
 که دول بزرگ ذینفوذ خاور میانه بچه علت جرات کرده اند که تا اندازه به سکنه
 اسرائیل اجازه دهند از دموکراسی برخوردار باشند و چرا از آثار دموکراسی در آنجا
 نمی ترسند و چرا مرقوم نکرده اید که تظاهر اسرائیلیها به سوسیالیزم و سوء استفاده از این
 نام ، برای جلب نظر و عملی کردن مهاجرت یهودیان ساکن اروپای شرقی بود و چون اکنون
 دیگر امید یی به جلب نظر و عملی کردن مهاجرت آنان ندارند ، دارند بتدریج از این تظاهرات
 دست بر میدارند .

آقای اشکول که عنوان وزیر دارائی اسرائیل را دارد در روزهای آخر بهمن ۱۳۴۰
 در رادیوی تل آویو اعلام کرد که برای سومین بار ، قیمت لیره اسرائیل را تنزل داده ایم .
 مفهوم و نتیجه این اقدام اشکول اینست که اولاً وضع اقتصادی اسرائیل - با همه کمکهای
 واقعی که بان میشود - رو بخرابی است تا نایباً میخواهند دول عضو بازار مشترک اروپا را راضی
 کنند و بالاخره معنی آن اینست که از مظاهر سوسیالیسم دست بر میدارد و البته این تنها دلیل
 ما نمیشد .

در اثر تنزل جدید ارزش پول اسرائیل - اگر قیمت واقعی دلار را ۷۸ ریال بدانیم -
 ارزش لیره اسرائیل از ۴۳/۳ ریال به ۲۶ ریال پائین آمده است تا بهای صادرات ، از آنجا
 بدول بازار مشترک ارزان شود اگر چه این اقدام بضرر مردم عادی و تنگدست آنجا تمام
 خواهد شد .

در همان روز اعلام تنزل بهای لیره از طرف اشکول ؛ قیمت نفت و روغن در حدود

بیست درصد بالا رفت مقصود اینکه بایستی همیشه در هنگام ارزیابی هر چیز ، واقع امر را در نظر گرفت و علل آنرا بحساب آورد و حقایق را عریان ساخت ، و برای این منظور؛ بایستی وجدان پاک و آگاه را بکار بست و تحت تأثیر عوامل و مزایای موقتی و مبتذل و فریبنده نرفت همانطوریکه نباید اسیر اساسات نادرست و تعصبات ناروا گردید ، اگر آنها اسرائیل را بالا میکشند و توی سرما کوبیده و در لجزار باقی میدارند تا احساس حقارتی را که بما تزریق کرده اند تقویت نمایند ؛ چرا بایستی اشخاص با وجدان در مسیر آنها قرار گیرند؟ چرا بایستی حساب حقوق افراد بشر (مثلا یهودیان) را طوری مطرح کنیم که به حقوق افراد بشر (مسلمانان فلسطین) یعنی اکثریت قاطع اهالی فلسطین لطمه های وسیع تری بخورد در صورتیکه لزومی ندارد برای تأمین حقوق عده ای حقوق عده دیگر را لگدمال کنیم ؛ چرا بایستی ستمگری و آدمکشی هیتلر و آیشمن را بهانه ای برای اجرای تجاوزات فاحش قرارداد ؟

بهر حال ما مطمئنیم که قرارداد سه جانبه دول غربی در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹) برای حفظ مرزهای اسرائیل پس از زمان بسیار کمی اثر خود را از دست خواهد داد و عدالت ؛ بر قدرت پیروزی خواهد یافت و یک میلیون آواره فلسطین به حقوق مسلم خود خواهند رسید .

خانه دل را بیا آباد کن

حضرت امیر مؤمنان (ع) در ضمن نصایحی که بفرزند ارجمند خود حسن مجتبی (ع) مینمودند ؛ فرمودند :

دلت را به نصیحت و اندرز زنده کن ، بواسطه یقین بخدا و معارف دین ، نیرومند بگردان ، بحکمت و دانش نورانی نما ؛ هر گام طغیان هوس آنرا بیاد مرگ بینداز ، بمعیب های دنیا آنرا بینا گردان ، آنرا از هجوم روزگار و تحولات شب و روز بترسان اخبار گذشتگان را بر آن عرضه بدار ، بعوادتی که برای گذشتگان رخ داده آنرا آشنا کن و در خانه ها و آثار پیشینیان گردش کن ؛ پس بین چه کردند و از چه جایی انتقال یافتند و بیکجا رفتند .
(نقل از نهج البلاغه)